

بررسی تحلیلی بر تفسیر تطبیقی آیه ۴۵ سوره بقره از دیدگاه تفاسیر روایی شیعه و اهل سنت

محمد مهدی کریمی نیا^۱

چکیده

در این پژوهش، و بر اساس تفاسیر روایی شیعه و اهل سنت، آیه ۴۵ سوره بقره «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَأَنْهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته است. یکی از انواع تفاسیر، «تفسیر روایی» است که مفسر بر اساس روایات، آیات کلام الله را تفسیر و تبیین می‌کند. عناوین و مباحث روایی در ذیل این آیه، پربسامد و متنوع بوده و روایات منقول، که از طریق فریقین به ما رسیده است، سعی کرده مفاهیم و اصطلاحات مرتبط با این آیه را روشن سازد. این که منظور از استعانت، صبر، صلاة، کبیره و خاشعین چیست و شأن نزول یا سبب نزول این آیه، مربوط به چه واقعه یا قضیه تاریخی مربوط به صدر اسلام می‌باشد. مفسرین شیعه و اهل سنت در مجموع حدود ۸۵ روایت در ذیل این آیه نقل کرده‌اند که شامل مباحثی مانند: مفهوم و چگونگی استعانت، صبر، صوم، کبیره، خاشعین و شأن نزول این آیه است که این مضامین در بسیاری موارد مشابه یکدیگر و البته در مواردی با یکدیگر دارای تفاوت‌هایی می‌باشند. بنابراین دغدغه و پرسش مهم این است که مفسرین شیعه و اهل سنت، و بر اساس روایات فریقین، به چه مفهومی از این آیه رسیده و واژه‌ها و اصطلاحات مرتبط با این آیه را چگونه تفسیر و تبیین می‌کنند. آن‌گاه چه تشابه‌ها و تفاوت‌هایی از نظر تفاسیر روایی شیعه و اهل سنت در توضیح و تبیین این آیه وجود دارد. روش تحقیق، به صورت مطالعه کتابخانه‌ای و بر اساس مراجعه به هفت کتاب تفسیر روایی شیعه و شش کتاب تفسیر روایی اهل سنت می‌باشد. روش کار، مفهوم‌یابی و شناخت ابعاد مختلف آیه ۴۵ بقره، بر اساس روایاتی است که مفسرین شیعه و اهل سنت، در ذیل این آیه بیان داشته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که: هر گروه از مفسرین شیعه و مفسرین اهل سنت، به روایاتی استناد کرده که توسط محدثین شیعه و اهل سنت بیان شده است و هیچ یک از این دو گروه، به روایات گروه دیگر استناد نکرده‌اند. تنها می‌توان دو روایت را یافت که هر دو گروه مفسرین

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم، نویسنده

شیعه و اهل سنت بیان داشته‌اند. شباهت‌های فراوانی در مفهوم، مصادیق، شأن نزول و سیره‌هایی که بیان شده است، وجود دارد. برخی تفاوت‌ها هم قابل توجه است. دو سوم روایات موجود در ذیل این آیه، از مفسرین اهل سنت و یک سوم بقیه از مفسرین شیعه نقل شده است. در حالی که اهل سنت در موارد متعددی، به کلام صحابه به عنوان روایت استناد کرده‌اند، مفسرین شیعه تنها به روایاتی استناد کرده که از پیامبر ﷺ و امامان اهل بیت علیهم السلام نقل شده است.

واژگان کلیدی: آیه ۴۵ بقره، تفاسیر روایی، صبر و صلا، خاشعین، استعانت به نماز و روزه.

مقدمه

دانش تفسیری یکی از اصیل‌ترین علوم اسلامی است که از صدر اسلام آغاز شده و خاستگاه آن که وحی الاهی است که پیامبر اسلام ﷺ معرفی نمود. (نحل، آیه ۴۴). پیامبر ﷺ گاه از خود قرآن کمک می‌گرفت؛ بدین ترتیب، روش «تفسیر قرآن به قرآن» به وجود آمد. سپس اهل بیت علیهم‌السلام و صحابه به تفسیر قرآن پرداختند. آنان علاوه بر استفاده از تفسیر قرآن به قرآن، از روش «تفسیر روایی» نیز استفاده می‌کردند. (محمد علی رضائی اصفهانی، درسنامه روش‌های تفسیری، صص ۱۵-۱۶)

محدثان شیعه و اهل سنت که به نقل احادیث اکتفا می‌کردند، روش و گرایش «تفسیر روایی» را شکل دادند که در مرحله اول در قرن‌های سوم و چهارم، تفاسیری همچون: عیاشی، قمی و طبرسی شکل گرفت و در مرحله دوم، در قرن دهم تا یازدهم، تفاسیری همچون در المنثور و البرهان و نور الثقلین ظهور کردند. (همان، ص ۱۶)

یکی از انواع تفسیر قرآن، «تفسیر روایی» است که از گذشته تاکنون مورد توجه مفسرین شیعه و اهل سنت بوده است که مفسر قرآن، سعی می‌کند علاوه بر استفاده از روش تفسیر قرآن به قرآن، مباحث و استدلال‌های عقلی، بر تفسیر و تبیین آیات کلام الله براساس روایاتی که از پیامبر ﷺ، اهل بیت علیهم‌السلام و صحابه یا تابعین رسیده است، تمرکز داشته باشد.

در این تحقیق، آیه ۴۵ سوره بقره^۱ به صورت تطبیقی، از منظر روایات اهل بیت علیهم‌السلام و روایات اهل سنت، و با توجه به کتب تفسیری شیعه و اهل سنت، مورد بررسی قرار گرفته است. مفسرین شیعه و اهل سنت، در ذیل این آیه، تنها به روایاتی استناد کرده‌اند که مورد قبول خویش بوده است. بنابراین، هیچ کدام از این دو گروه مفسرین، به روایات گروه دیگر استناد نکرده‌اند.

بنابراین، دغدغه و پرسش مهم این است که بررسی شود که هریک از مفسرین فریقین، به چه روایاتی استناد کرده‌اند و منقول عنه روایات کیست؟ و آیا بین مفسرین فریقین، در مفهوم‌گیری از آیه مورد نظر، براساس روایات مورد قبول خویشتن، چه

۱. «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ».



شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد؟

توضیح آن که مفسرین شیعه فقط به کلام منقول از پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام به عنوان «روایت»، استناد کرده‌اند، در حالی که مفسرین اهل سنت، در بررسی روایی آیه ۴۵ سوره بقره، به هیچ کلامی از اهل بیت علیهم السلام توجه نکرده‌اند و تنها به کلام پیامبر ﷺ استناد کرده و در موارد زیادی به کلام صحابه و تابعین، به عنوان «روایت» استناد کرده و آیه مورد نظر را تفسیر نموده‌اند.

تفاسیر شیعه که در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد، عبارت است از: «تفسیر علی بن ابراهیم قمی» مشهور به «تفسیر القمی»، اثر: علی بن ابراهیم قمی، دو جلد، متوفای ۳۰۷ ق.؛ ۲. «التفسیر»، معروف به «تفسیر عیاشی»، اثر: محمد بن مسعود عیاش السلمی السمرقندی معروف به «عیاشی»، دو جلد، متوفای ۳۲۰ ق.؛ ۳. «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، اثر: فضل بن حسن طبرسی، متوفای ۵۴۸ ق.؛ ۴. «الصفافی فی تفسیر القرآن»، معروف به: «تفسیر الصفافی»، هفت جلد، اثر: ملا محسن فیض کاشانی، متوفای ۱۰۹۱ ق.؛ ۵. «البرهان فی تفسیر القرآن»، مشهور به «تفسیر البرهان»، پنج جلد، اثر: سید هاشم بحرانی، متوفای حدود ۱۱۰۷ ق.؛ ۶. «تفسیر نور الثقلین»، اثر: عبدعلی بن جمعه خویزی معروف به «ابن جمعه خویزی»، پنج جلد، متوفای ۱۱۱۲ ق.؛ ۷. «المیزان فی تفسیر القرآن»، معروف به «تفسیر المیزان»، بیست جلد، اثر: علامه سید محمد حسین طباطبائی، متوفای ۱۳۶۰ ش.

تفاسیر اهل سنت که در تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد، از این قرار است: ۱. «جامع البیان عن تأویل ای القرآن»، معروف به «تفسیر طبری»، شانزده جلد، اثر: محمد بن جریر طبری، متوفای ۳۱۰ ق.؛ ۲. «الکشف و البیان عن تفسیر القرآن»، معروف به: «تفسیر الثعلبی»، ده جلد، اثر: احمد بن محمد بن ابراهیم ثعلبی، متوفای ۴۲۷ ق.؛ ۳. «شواهد التنزیل لقواعد التفضیل»، دو جلد، اثر: حاکم عبدالله حسانی، متوفای ۴۹۰ ق.؛ ۴. «معالم التنزیل فی تفسیر القرآن»، پنج جلد، اثر: حسین بن مسعود بغوی، متوفای ۵۱۶ ق.؛ ۵. «تفسیر القرآن العظیم»، معروف به «تفسیر ابن کثیر»، نه جلد، اثر: اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی، معروف به ابن کثیر، متوفای ۷۷۴ ق.؛ ۶. «الدّر المنثور فی التفسیر بالمأثور»، هشت جلد، اثر: جلال الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ ق.

اهمیت این پژوهش از آن جهت است که علی‌رغم تفاسیر فراوان و متنوع از شیعه و اهل سنت، هیچ تفسیر مقارنی نگاشته نشده است؛ در حالی که یکی از مظاهر و رویکردهای تقریب مذاهب، رویکرد تقریب علمی، به‌ویژه «تفسیر تطبیقی» یا «تفسیر مقارن» است.

به عنوان ادبیات تحقیق، باید گفت: در خصوص تفسیر تطبیقی آیه ۴۵ سوره بقره، هیچ مقاله یا حتی گزارشی وجود ندارد. تنها مفسرین شیعه و اهل سنت، در ضمن کتاب تفسیری خویش، و با توجه به تفسیر ترتیبی، آیه مورد بحث را مورد بررسی قرار داده‌اند. بنابراین، عنوان این مقاله، بدیع و جدید است و هیچ سابقه‌ای برای آن وجود ندارد. مفسرین شیعه و اهل سنت، که نام آنان پیشتر بیان شده، در مجموع و در ذیل آیه ۴۵ سوره بقره، ۸۵ روایت را نقل کرده‌اند که دوسوم این تعداد توسط مفسرین اهل سنت و یک سوم بقیه از مفسرین شیعه است.

در این مقاله، نوع، مضمون و تعداد روایات منقول، منقول عنه (پیامبر یا ائمه اطهار یا صحابه و تابعین)، شأن نزول آیه مورد بحث، معنای صبر، استعانت، صلات، کبیره و خاشعین به صورت تطبیقی و براساس روایات ذکر شده در تفاسیر روایی شیعه و اهل سنت مورد بررسی قرار گرفته است.

بررسی تطبیقی روایی در خصوص آیه ۴۵ سوره بقره نشان می‌دهد که شباهت‌های فراوانی در تحلیل مضمون این آیه وجود دارد و البته تفاوت‌هایی وجود دارد و این که تفسیر تطبیقی یا تفسیر مقارن، بین تفاسیر شیعه و اهل سنت، یکی از جلوه‌های و رویکردهای عالی در تقریب مذاهب اسلامی است.

۱. مفاهیم

۱-۱. تفسیر

تفسیر در لغت به معنای هویدا کردن، آنچه که معنی را روشن کند، پیدا و آشکار کردن و بیان نمودن معنای سخن، پیدا کردن و واکردن خبر پوشیده و با لفظ کردن مستعمل. (علی اکبر دهخدا، لغتنامه دهخدا، واژه «تفسیر»). کلمه «تفسیر» از ریشه «فسر» که اهل لغت برای آن، چند معنا ذکر کرده‌اند؛ مانند: بیان و توضیح دادن، آشکار ساختن امر

پوشیده، و کشف و اظهار معنای معقول، که این معناها همه، در معنای «تبیین و آشکار ساختن و اظهار کردن» دارای اشتراک هستند. (رک: اسماعیل بن حماد جوهری، تاج اللغة و صحاح العربیه، ذیل «فسر»؛ احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ذیل «فسر»؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۷۸۱)

تفسیر در اصطلاح مفسران عبارت است از برطرف ساختن ابهام از یک لفظ دشوار و مشکل، و نیز برطرف ساختن ابهام در دلالت کلام. بنابراین، تفسیر در جایی است که گونه ای ابهام در لفظ وجود دارد که موجب ابهام در معنا و دلالت کلام می شود. زرقانی در این باره می گوید: تفسیر، علمی است که در آن به قدر توان بشری از احوال قرآن از آن جهت که بر مراد خداوند متعال دلالت دارد، بحث می شود. (محمد عبد العظیم الزرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۴۷۱)

علامه طباطبائی در تعریف تفسیر می گوید: «هو بیان معانی الآيات القرآنية والكشف عن مقاصدها و مداليلها؛ (سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴) تفسیر بیان معانی آیات قرآنی، و کشف مقاصد و مدالیل آن است».

در دائره المعارف بزرگ اسلامی در تعریف تفسیر آمده است که اصطلاحی است در علوم انسانی که به توضیح معانی آیات قرآن کریم و استخراج معارف از آن می پردازد. (احمد پاکتچی، مقاله: «تفسیر»، دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۱۰۲) سیوطی نیز در الاتقان این تعریف را ارائه کرده است: «تفسیر علمی است که از احوال قرآن از نظر دلالت بر مرادش متناسب با درک و فهم بشر بحث می کند. (جلال الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۴ ص ۱۹)

کلمه «تفسیر» در کلام الله مجید، یک بار به کار رفته است: «وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا» (سوره فرقان، آیه ۳۳) و برای تو مثلی نیاوردند، مگر آن که [ما] حق را یا تفسیر درست آن مثل را برای تو آوردیم».

۲-۱. تفسیر تطبیقی (مقارن)

«تفسیر تطبیقی» مرکب از دو واژه «تفسیر» و «تطبیقی» است. معنای تفسیر گذشت. «تطبیق» به معنای مقابله و موافقت و برابر کردن دو چیز با هم، موافق گردانیدن چیزی با



چیزی و با لفظ دادن مستعمل. (علی اکبر دهخدا، لغتنامه دهخدا، واژه «تطبیق») و منظور از «تطبیقی»، در زبان فارسی، مقایسه‌ای و مقارنه‌ای است، ولی «تطبیقی»، در زبان عربی به معنای عملی، بکار بردنی، بکاربرده شده می‌باشد. (معجم المعانی: فرهنگ لغت عربی - فارسی (نرم افزار)، واژه «تطبیقی») نیز به معنای اجرا، عملی کردن و منطبق ساختن است. براین اساس تطبیقی یعنی کاربردی، عملی و اجرایی و «تطبیق القانون»، یعنی عملی کردن قانون. (آذرتاش آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی فارسی، ص ۳۹۲ - ۳۹۳، واژه «طبق»)

از نظر برخی، «تفسیر تطبیقی» یعنی مفسر آیاتی از قرآن را محور قرار داده، سپس به جست و جوی آرای مفسران اعم از قدما و متأخران و اعم از این که روش تفسیری آن‌ها عقلی یا نقلی باشد همراه با ذکر وجوه و احتمالات مطرح شده از سوی آنان برآمده، به مقایسه و ارزیابی میان آن‌ها بپردازد (محمدعلی آیازی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، ص ۵۱). بعضی دیگر تفسیر تطبیقی یا مقارن را به بررسی مقایسه‌ای میان دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت در باره مفاهیم قرآن محدود کرده، و معتقدند تفسیر تطبیقی، یعنی بررسی تطبیقی تفسیر آیات، فارغ از روش‌ها و مکاتب تنها بر اساس دو منظر شیعی و اهل سنت است (فتح الله نجارزادگان، تفسیر تطبیقی، ص ۱۳). نویسندگان عرب زبان هم از «تفسیر مقارن» و هم از «تفسیر تطبیقی» سخن گفته‌اند و آن‌ها را معادل ندانسته‌اند، در حالی که در زبان فارسی این دو معادل یکدیگر منظور شده است. (انسیه عسکری و محمدکاظم شاکر، مقاله: «تفسیر تطبیقی؛ معنایابی و گونه شناسی»، دوفصلنامه دانشگاه قم، سال اول، شماره دوم، شماره پیاپی ۲، پائیز و زمستان ۱۳۹۴ ش.، ص ۱۱)

۳-۱. تفسیر روایی

اصطلاح «تفسیر روایی» یا «تفسیر مأثور» یا «تفسیر نقلی»، (محمدعلی آیازی، المفسرون: حیاتهم و منهجهم، ص ۳۶) از دیدگاه شیعیان، نوعی از تفسیر قرآن، مبتنی بر روایات نقل شده از پیامبر اسلام ﷺ و امامان شیعه است. (همان) از دیدگاه اهل سنت، علاوه بر روایات پیامبر اسلام ﷺ، کلام صحابه و تابعین نیز مبنای استفاده در «تفسیر روایی» است.

۴-۱. روایات تفسیری و روایات عام

«روایات تفسیری» یا «حدیث تفسیری»، روایت یا حدیثی است که آیات کلام الله را توضیح داده و تفسیر می‌کند. به آن «تفسیر مأثور» نیز گفته می‌شود. (امین خولی، التفسیر: نشأته تدرجه، تطوره، ج ۱، ص ۲۴۲۵) برخی آیات قرآن کریم، بویژه آیاتی که در باره احکام شرعی است، اجمال و ابهام داشته که توضیح آن به وسیله روایات صورت گرفته است. این گونه روایت‌ها، که در ذیل آیات مورد توجه واقع می‌شود، «روایات تفسیری» نامیده می‌شود. در مقابل روایات تفسیری، «روایات عام» قرار می‌گیرد که ناظر به آیه یا سوره خاص نمی‌باشد، بلکه به صورت کلی، معارفی را بیان می‌دارد. برخی تفاسیر «تفاسیر روایی» می‌باشند که مفسر سعی می‌کند در ذیل آیه یا آیات کلام الله، روایات مرتبط و تفسیری را ذکر کند؛ مانند: تفسیر البرهان، نوشته سیدهاشم بحرانی، و تفسیر نورالثقلین، نوشته عبدعلی حویزی، تفسیر قمی و تفسیر عیاشی.

۲. تعداد و چگونگی روایات بیان شده در تفاسیر شیعه و اهل سنت در آیه ۴۵ بقره

یکی از پرسش‌ها این است که تفاسیر روایی در ذیل آیه ۴۵ بقره، چه تعداد روایت و به چه کیفیتی نقل کرده‌اند؟ این مطلب را در ادامه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲-۱. نقل یا عدم نقل روایات در تفاسیر شیعه و اهل سنت در آیه ۴۵ بقره

تفاسیر روایی شیعه و اهل سنت بنا به سلیقه و علاقه خود، روایات متعددی در ذیل آیه بیان داشته‌اند. به عبارت دیگر، هر مفسری، اعم از شیعه و اهل سنت، تعداد کم و یا زیادی روایت نقل کرده‌اند. و البته برخی از مفسرین در ذیل آیه ۴۵ بقره، به هیچ روایتی استناد نکرده‌اند، اگرچه منظور آیه و واژه‌های آن را توضیح داده‌اند. برای مثال، تفسیر قمی، از تفاسیر شیعه، به هیچ روایتی اشاره نکرده است؛ کما این که، ثعلبی در «تفسیر الکشف و البیان» و ابن کثیر در «تفسیر القرآن العظیم»، از تفاسیر اهل سنت، به هیچ روایتی در ذیل آیه ۴۵ بقره اشاره نکرده‌اند.

۲-۲. تعداد روایات نقل شده ذیل آیه ۴۵ بقره در تفاسیر شیعه و اهل سنت

نکته دیگر تعداد روایاتی است که هر مفسر، اعم از شیعه و اهل سنت، در ذیل آیه ۴۵ بقره بیان کرده‌اند. تفسیر عیاشی در این باره، سه روایت نقل می‌کند، (محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۴۳-۴۴). از این قرار:

۱. عن مَسْمَعٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا مَسْمَعُ! مَا يَمْنَعُ أَحَدُكُمْ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ غَمٌّ مِنْ غُمُومِ الدُّنْيَا، أَنْ يَتَوَضَّأَ ثُمَّ يَدْخُلَ مَسْجِدَهُ وَيَرْكُعُ رَكَعَتَيْنِ، فَيَدْعُو اللَّهَ فِيهِمَا أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ يَقُولُ: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»؛ (همان)

مَسْمَعُ از امام صادق عليه السلام: چرا هرگاه غمی از غم‌های دنیا به یکی از شما وارد می‌شود، وضو نمی‌سازد و سپس به مسجد نمی‌رود و دو رکعت نماز نمی‌خواند و در آن دو رکعت، به درگاه خدا دعا نمی‌کند؟! مگر نشنیده‌ای که خداوند می‌فرماید: «از شکیبایی و نماز، کمک بجوید».

۲. عن عبد الله بن طلحة عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله تعالى: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»، قال: الصَّبْرُ هُوَ الصَّوْمُ؛ (همان)

عبدالله بن طلحه از امام صادق عليه السلام در باره آیه: «از صبر و نماز، یاری بجوید»: صبر، همان روزه است.

۳. عن سليمان الفراء عن أبي الحسن عليه السلام في قول الله: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»، قال: الصَّبْرُ الصَّوْمُ، إِذَا نَزَلَتْ بِالرَّجُلِ الشَّدَّةُ أَوِ النَّازِلَةُ فَلْيَصُمْ. قال: الله يقول: اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ، الصَّبْرُ الصَّوْمُ؛ (همان)

سلیمان فراء از امام کاظم عليه السلام نقل می‌کند که آن حضرت در باره قول خداوند متعال که فرمود: «وا از صبر مدد گیرید»، فرمود: مراد از صبر، روزه است. هرگاه بلا و سختی دامنگیر کسی شد، روزه بگیرد؛ زیرا خداوند عز و جل می‌فرماید: «وا از صبر مدد بگیرید». صبر یعنی روزه.

طبرسی به حدود شش روایت اشاره دارد که البته دو روایت آن، مربوط به شأن نزول است. (فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ذیل آیه ۴۵ بقره) از جمله: طبرسی به این روایت: «الصَّبْرُ وَجَاءَ» (صبر موجب از بین رفتن شهوت است)، استناد می‌کند که توضیح آن در ادامه همین مقاله خواهد آمد.

فیض کاشانی در مجموع به پنج روایت استناد می‌کند که دو روایت آن، همان روایاتی است که مفسرین پیشین نیز ذکر کرده بودند و سه روایت دیگر، جدید بوده و مفسرین پیشین، به آن استناد نکرده بودند.

روایات جدید و متفاوت با دیگران که فیض بیان داشته از این قرار است:

۱. «كَانَ عَلَى ﷺ إِذَا هَالَهُ شَيْءٌ فَرَعَ إِلَى الصَّلَاةِ، ثُمَّ تَلَاهِذِهِ الْآيَةَ: وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ؛ (محمّد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۸۰، حدیث ۱؛ محمّد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۱۲۶) علی ﷺ هرگاه چیزی او را می‌ترساند، به نماز پناه می‌برد. سپس این آیه را تلاوت کرد: از شکیبایی و نماز، کمک بجویید».

وی به نقل از تفسیر امام حسن عسگری ﷺ نقل می‌کند که انجام نمازهای پنجگانه و صلوات بر محمد ﷺ و آل محمد ﷺ، همراه با انقیاد و پذیرش کامل دستورات معصومین ﷺ و ایمان به اسرار و علوم اهل بیت ﷺ و ترک مخالفت با دستورات آن بزرگواران، و «اما و اگر» نکردن، عظیم و سخت است. فیض معتقد است که منظور از «لکبیره» در آیه، «عظیم و سخت بودن» است. آن گاه به این آیه استشهاد می‌کند:

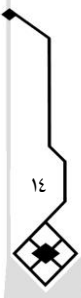
«كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ؛ (شوری: ۱۳)

بر مشرکان آنچه که ایشان را به سوی آن فرا می‌خوانی، گران می‌آید».

فیض معتقد است که منظور از «خاشعین»، کسانی هستند که از عقاب و عذاب الهی هراسناک بوده و همواره انجام فرایض الهی، مانند نماز بوده‌اند و از اطاعت از اوامر الهی لذت می‌برند؛ همان طور که پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

۲. «وَجُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ؛ (محمّد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، تفسیر

الصافی، ج ۱، ص ۱۲۶؛ محمّد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۱۱؛ محمّد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۴۳؛ در منابع اهل سنت: خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۳۷۲، به نقل از: أنس بن مالك؛ سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الكبير، ج ۲۰، ص ۴۲۰، شماره ۱۰۱۲، به نقل از: مغیره؛ محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۳۹۸)



نور چشم من در نماز است».

۳. «وَكَانَ يَقُولُ رَوِّحْنَا أَوْ أَرْحِنَا يَا بَلَالُ؛ (محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۱۲۶؛ صدوق، التوحید، ج ۱، ص ۲۵۴؛ قاضی سعید قمی، شرح توحید الصدوق، ج ۳، ص ۵۳۸)

پیوسته پیامبر اکرم ﷺ به بلال می فرمود: ما (با اذان نماز) آرامش و شادمانی بخش». نکته نخست این که روایت نخست از قسم دوم (روایات جدیدی که فیض به روایات سابق می افزاید، (كَانَ عَلَى ﷺ إِذَا هَالَهُ شَيْءٌ فَنَجَّ إِلَى الصَّلَاةِ، ثُمَّ تَلَاهِذِهِ الْآيَةَ...))، فقط در منابع شیعی یافت می شود و نخستین منبع در این باره، کتاب الکافی است. اما دوروایت دیگر (۱). وَجُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ؛ ۲. وَكَانَ يَقُولُ رَوِّحْنَا أَوْ أَرْحِنَا يَا بَلَالُ) که فیض به روایات مفسرین سابق افزوده است، هم در منابع شیعه و هم در منابع اهل سنت یافت می شود.

نکته دوم این که در منابع اهل سنت این گونه از پیامبر ﷺ نقل شده:

«يَا بَلَالُ أَقِمِ الصَّلَاةَ، أَرْحِنَا بِهَا؛ (ابوداود سلیمان بن اشعث، سنن أبی داود: ج ۴، ص ۲۹۶، ح ۴۹۸۵؛ احمد بن حنبل، مسند ابن حنبل، ج ۹، ص ۳۹، حدیث ۲۳۱۴۹؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد: ج ۱۰، ص ۴۴۳، شماره ۵۶۰۴)

ای بلال! نماز را به پا دار و با آن، ما را آرامش (شادمانی) بخش».

در حالی که در منابع روایی شیعه، روایت با کمی تفاوت، این گونه آمده است:

«وَكَانَ يَقُولُ رَوِّحْنَا أَوْ أَرْحِنَا يَا بَلَالُ». (محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۱۲۶؛ صدوق، التوحید، ج ۱، ص ۲۵۴؛ قاضی سعید قمی، شرح توحید الصدوق، ج ۳، ص ۵۳۸)

با این توضیح که نخستین منبع شیعی که این روایت را نقل کرده است، کتاب التوحید شیخ صدوق است.

سید هاشم بحرانی در تفسیر البرهان، ده روایت را نقل می کند، (سید هاشم بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۲۰۶ به بعد) که این روایات به دو دسته تقسیم می شوند:

روایاتی که مفسرین پیش از بحرانی نیز به آن ها استناد کرده بودند (شش روایت)؛ روایاتی که پیش از این، توسط مفسرین به آن اشاره نشده بود (چهار روایت).

مضمون روایات دسته نخست (شش روایت)، که بحرانی نقل می‌کند، چند چیز است:

- لزوم استعانت به روزه و نماز در کارهای سخت؛
- منظور از «صبر» در آیه شریفه، «روزه» است؛
- امامان علیهم‌السلام بویژه امام علی علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام همیشه این سیره و رفتار را داشتند که در مواقع سخت و بروز مشکلات، از روزه و نماز استعانت می‌گرفتند.
- پیوسته این سخن از سوی امامان علیهم‌السلام نسبت به شاگردان ابراز می‌شد که در مشکلات خویش به به نماز و روزه تمسک جویند و آن گاه به عنوان استشهاد، به آیه ۴۵ بقره استناد می‌نمودند. (همان)

مضمون روایات دسته دوم که در بالا آمده، چند چیز است:

- منظور از صلاة، هم نمازهای پنجگانه و هم صلوات بر محمد و آل محمد است.
- آیه خطاب به یهود، کافران و مشرکین است که می‌ترسیدند اگر ایمان بیاورند، موقعیت‌های اجتماعی، مالی و اقتصادی خود را از دست بدهند. آیه خطاب به آنان، می‌گوید که پیوسته به نماز و روزه استعانت بجویند و از ریاست‌های باطل، مال حرام و امور دنیوی پرهیز داشته و به فکر آخرت و کسب رضایت الهی باشید.
- در روایت ابن شهر آشوب، منظور از «خاشعین» کسانی می‌داند که نسبت به انجام نماز خضوع و خشوع دارند و بهترین مصداق این امر، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم و امام علی علیه‌السلام می‌باشد.

- بحرانی در روایت دیگر، به نقل از اهل سنت، از ابن عباس روایت می‌کند که آیه: «الَّذِينَ يُظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»، (بقره: ۴۶) در شأن علی علیه‌السلام، عثمان بن مظعون، عمار یاسر و اصحاب ایشان نازل شده است. (سیدهاشم بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۲۰۶ به بعد)

تعجب این که حویزی در کتاب تفسیر نورالثقلین، که یک کتاب تفسیر روائی است، تنها به دو روایت در ذیل آیه ۴۵ بقره بسنده می‌کند! (عبدعلی حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۷۶) که این دو روایت، در تفاسیر پیشین نیز آمده بود. بنابراین، وی روایت جدیدی را نقل نمی‌کند.

یکی از این دو روایت، که حویزی نقل می‌کند، به نقل از تفسیر عیاشی است که منظور از «صبر» در آیه، روزه می‌داند. (عبدعلی حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۷۶؛ محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۴۳-۴۴) در روایت دوم، که به نقل الکافی است مانند روایت قبل، منظور از «صبر» را روزه می‌داند و این نکته هم در روایت اضافه شده که هرگاه برای کسی، شدت و سختی به وجود آمد، با گرفتن روزه، از این عمل عبادی، استعانت جوید. (عبدعلی حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۷۶؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۶۳؛ محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۴۰۷)

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان، به پنج روایت اشاره می‌کند که تفاسیر قبل از وی نیز، آن روایت‌ها را نقل کرده بودند. بنابراین، ایشان به روایتی جدیدی استناد نکرده‌اند. تنها نکته‌ای که علامه طباطبائی را از بقیه مفسرین شیعه و اهل سنت جدا می‌کند، دیدگاه وی در «انطباق و جری» است.

وی دو روایت، به نقل از کتاب الکافی نقل می‌کند (سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۵۴؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی فی الاصول و الفروع، ج ۳، ص ۴۸۰) و می‌گوید مضمون این دو حدیث، در تفسیر عیاشی (محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۴۳-۴۴) هم بیان شده و اضافه می‌کند که تفسیر «صبر» به «صوم» (روزه) از باب «مصدق و جری» است. (سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۵۴) آن گاه علامه این روایت را به نقل از تفسیر عیاشی نقل می‌کند:

عن سلیمان الفراء عن أبي الحسن عليه السلام في قول الله: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»، قال: الصبر الصوم، إِذَا نَزَلَتْ بِالرَّجُلِ الشَّدَّةُ أَوِ النَّازِلَةُ فَلْيُصُمْ. قال: الله يقول: اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ، الصبر الصوم. (محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۴۳-۴۴؛ سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۵۴)

علامه بعد از نقل روایت، این عبارت را متصل به روایت، اضافه می‌کند:

«والخاشع الذلیل في صلواته المقبل عليها، يعني رسول الله ﷺ وأمير المؤمنين عليه السلام» (سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۵۴)

خاشع کسی است که در نماز خاشع بوده و به سوی نماز اقبال نشان می‌دهد؛ یعنی رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علی علیه السلام.

برای خواننده این تصوّر پیش می‌آید که عبارت فوق، ادامه روایت امام کاظم علیه السلام است، ولی این گونه نیست، بلکه یک روایت دیگر از زبان امام صادق علیه السلام و ابن عباس است که اولین بار، در نقل «ابن شهر آشوب»، متوفای ۵۸۸ ق. آمده است. (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب و معالم العلماء، ج ۲، ص ۲۰؛ سیدهاشم بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۲۰۹)

جالب این که، روایت اخیر، که در باره مصداق خاشع است، عینا در یکی از تفاسیر اهل سنت ذکر شده است. (حاکم حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۱۱۵)

بر اساس تفسیر و تأویل فوق، منظور از «خاشع» کسی است که در نماز خشوع داشته و همواره به نماز خواندن، اقبال نشان می‌دهد؛ یعنی رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علی علیه السلام.

علامه طباطبائی اضافه می‌کند: امام علی علیه السلام از آیه ۴۵ سوره بقره، استحباب روزه و نماز هنگام شدائد و ناملازمات استفاده کرده است. نیز امام علی علیه السلام استحباب توسّل به رسول خدا ﷺ و ولیّ خدا (امامان معصوم)، هنگام بروز ناملازمات و سختی‌ها را از آیه شریفه به دست آورده است و این در حقیقت، تأویل (تطبیق و جری) کلمه «صوم» و «صلاة» بر رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علی علیه السلام است. (سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۵۴)

علامه طباطبائی همانند مفسرین سابق و بر اساس روایات، معتقد است که منظور از «صبر» روزه است، ولی نکته‌ای وجود دارد این است که مفسرین پیش از علامه، «روزه» را به عنوان یک «معنا» برای واژه «الصبر» معرفی می‌کردند، ولی علامه این امر را از باب «مصداق و جری» می‌داند.

«جری و تطبیق» از اصطلاحات خاص علامه طباطبائی است (بهار دوست، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۰، ص ۲۲۷) که شاگردان وی نیز این دیدگاه را پذیرفته و آن را تبیین نموده‌اند؛ اگرچه در طول تاریخ، مفسرین و دانشمندان اسلامی کم و بیش، مسأله «جری و

تطبیق» را پذیرفته بودند، ولی به عنوان یک اصطلاح قرآنی و مرتبط با تفسیر و تأویل قرآن، نخستین بار توسط علامه طباطبائی مطرح و تبیین شد. (پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی، فرهنگ نامه علوم قرآن (دائرة المعارف)، مقاله: «جری و تطبیق»، ج ۱، ص ۱۹۴۷)

منظور از آن، سرایت احکام قرآنی به موارد مشابه در هر زمان و حمل آیه بر مصداق آن است. (دفتر تبلیغات اسلامی، فرهنگ نامه علوم قرآن، مقاله: «جری و تطبیق»، ج ۱، ص ۱۹۴۷)

«جری» در اصطلاح به معنای تطبیق آیه بر مصداق خارجی، و در حقیقت، نوعی تفسیر حول دلالت لفظی آیات است. و «تطبیق» به معنای حمل آیه بر مصداق آن است، و آن جا که در زمینه دلالت لفظی به کار رود، به معنای «تفسیر» و آن جا که مصداق قابل انطباق بر مدلول لفظی نباشد، معنای «تأویل» می یابد. (همان)

نتیجه این که تفاسیر شیعه، در مجموع ۲۹ روایت را در ذیل آیه ۴۵ بقره نقل کرده اند که بیشترین تعداد روایت را بحرانی در تفسیر البرهان نقل کرده است (ده روایت). در تفاسیر اهل سنت، در ذیل آیه ۴۵ بقره، در مجموع ۵۹ روایت نقل شده است: طبری، هفت روایت را نقل می کند. (محمد بن جریر طبری، جامع البیان عن آی القرآن، ج ۱، ص ۱۵، حدیث ۸۵۴ به بعد) حاکم حسکانی، سه روایت (حاکم حسکانی، تفسیر شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۱۱۵، حدیث ۱۲۶ به بعد) و ابن کثیر (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۱۵۵ به بعد) و سیوطی حدود چهل روایت را نقل می کند. (جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۵۹-۱۶۳) بنابراین، بیشترین تعداد روایت را سیوطی نقل کرده است.

۲-۲-۱. «منقول عنه» در روایات در تفاسیر شیعه و اهل سنت در ذیل آیه ۴۵ بقره

منظور از «منقول عنه» این است که متن روایت از چه شخصیتی نقل شده است؟ در این باره، بین مفسرین شیعه و اهل سنت، وحدت رویه و نظر واحد وجود ندارد. این اختلاف، به تفاوت دیدگاه شیعه و اهل سنت در معنای حدیث یا روایت باز می گردد. منظور عالمان شیعه از «روایت یا حدیث» کلامی است که از معصومین علیهم السلام، یعنی پیامبر

اکرم علیه السلام و امامان اهل بیت علیهم السلام نقل شده باشد. (جعفر سبحانی، اصول الحديث و احکامه، ص ۱۹) بنابراین، کلامی که از «صحابه» و «تابعین» نقل شود، از نظر شیعه، به عنوان «حدیث» شناخته نمی شود. (رک: جعفر سبحانی، اصول الحديث و احکامه، ص ۱۹)

و این در حالی است که از نظر عالمان اهل سنت، «حدیث»، کلامی است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا یکی از صحابه یا حتی تابعین نقل شده باشد. (رک: عبدالهادی فضلی، اصول الحديث، علومه و مصطلحه، ص ۲۸)

با توجه به این توضیح، معلوم می شود که مفسرین شیعه، در نقل «احادیث»، در ذیل آیه ۴۵ سوره بقره، تنها به نقل کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان اهل بیت علیهم السلام بسنده می کنند. البته برخی مفسرین، مانند طبرسی در مجمع البیان، در ترجمه و توضیح واژه ها و حتی بیان شأن نزول، به کلام صحابه مثل ابن عباس و کلام تابعین استناد کرده اند، (فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ذیل آیه ۴۵ بقره) ولی پرواضح است که این استناد، از باب «نقل حدیث» نیست، بلکه بیان کلام یک دانشمند و عالم دینی می باشد.

با این توضیح و با تأمل در احادیث بیان شده از سوی مفسرین اهل سنت، معلوم می شود بیشتر احادیث بیان شده از سوی این عالمان، کلمات و سخنانی است که از سوی صحابه و یا تابعین نقل شده است. برای مثال، طبری در جامع البیان، هفت روایت نقل می کند که همه روایات، منقول از صحابه بوده (محمد بن جریر طبری، جامع البیان عن آی القرآن، ج ۱، ص ۱۵، حدیث ۸۵۴ به بعد) و روایتی منقول از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیست.

یا حاکم حَسْكَانی در ذیل آیه ۴۵ بقره، سه روایت نقل می کند که هر سه روایت، منقول از ابن عباس (از صحابه پیامبر اکرم) است. (حاکم حَسْكَانی، تفسیر شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۱۱۵، حدیث ۱۲۶ به بعد) چهار روایت از نه روایتی که ابن کثیر نقل کرده، به نقل از عمر بن خطاب، سعید بن جبیر و ابن عباس (از صحابه) و یک روایت از برخی از تابعین است. (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۱۵۵ به بعد) از هم مهمتر روایات متعددی است که شیوئی در ذیل آیه ۴۵ بقره نقل می کند که همان طور که گذشت، وی چهل روایت را نقل می کند. وی برخلاف سایر مفسرین اهل

سنت، بیشتر روایات خود را به نقل از پیامبر اکرم ﷺ بیان می‌کند و تعداد کمی به نقل از صحابه می‌باشد. (جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۵۹-۱۶۳)

۲-۲-۲. روایات و مضامین مشترک، در تفاسیر شیعه و اهل سنت ذیل آیه ۴۵ بقره

از مجموع ۸۸ روایتی که در ذیل آیه ۴۵ بقره بیان شده است، ۲۹ روایت، در تفاسیر شیعه، و ۵۹ روایت در تفاسیر اهل سنت آمده است. اکنون این پرسش مطرح است که آیا روایت مشترکی میان این دو گروه تفاسیر وجود دارد یا نه؟ در پاسخ گفت که بندرت، و در حدود یک یا دو روایت می‌توان یافت که هم در گروه تفاسیر شیعه و هم در گروه تفاسیر اهل سنت بیان شده است. در ادامه، به دو مورد اشاره می‌شود:

مورد نخست روایت مشترک تفاسیر شیعه و اهل سنت

برای مثال، طبرسی در مجمع البیان به حدیث «الصبرُ وجاء» (صبر موجب از بین رفتن شهوت است)، استناد می‌کند. چنین روایتی، دقیقاً با همین عبارت «دو کلمه ای» در منابع شیعه و حتی منابع روایی اهل سنت یافت نشد. آنچه در منابع روایی اهل سنت و شیعه آمده این گونه است: «فَإِنَّهُ لَهُ وَجَاءَ»، (محمّد بن اسماعیلی بخاری، صحیح البخاری، کتاب «الصوم»، باب الصوم لِمَنْ خاف على نفسه العزوبة، ج ۱، ص ۴۵۶، شماره ۵۰۶۶؛ مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، کتاب «النکاح»، ج ۱، ص ۶۳۰، شماره ۱۴۰۰) «فَإِنَّ الصَّوْمَ لَهُ وَجَاءَ». (محمّد بن محمد مفید، المقنعه، ج ۱، ص ۴۹۷؛ ابن ابی جمهور أحسانی، عوالی اللئالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة، ج ۳، ص ۲۸۹) در واقع، طبرسی با توجه به آشنایی که از این روایت داشته، چکیده و مضمون آن را به عنوان روایت منقول از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند.

در منابع روایی اهل سنت چنین آمده:

«عن ابن مسعود قال: كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شَبَابًا لَا نَجِدُ شَيْئًا، فَقَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّهُ أَغْضُّ لِلْبَصَرِ وَأَخْصَنُ لِلْفَرْجِ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ لَهُ وَجَاءَ؛ (محمّد بن اسماعیلی بخاری، صحیح البخاری، کتاب «الصوم»، باب الصوم لِمَنْ خاف

علی نفسه العزوبة، ج ۱، ص ۴۵۶، شماره ۵۰۶۶؛ مسلم بن الحجاج، صحيح مسلم، كتاب «النكاح»: ج ۱، ص ۶۳۰، شماره ۱۴۰۰

ابن مسعود می گوید: ما عده ای از جوانان با پیامبر اکرم ﷺ بودیم که چیزی (مالی) برای ازدواج نداشتیم. پس پیامبر ﷺ به ما فرمود: ای جوانان! هریک از شما که توان ازدواج دارد، ازدواج کند؛ زیرا ازدواج کردن، چشم را [از نگاه حرام]، بیشتر فرو می پوشاند و دامن را پاک تر می دارد. و هرکس توان [ازدواج] نداشت، روزه بگیرد؛ زیرا روزه، شهوت را فرو می نشاند».

در منابع روایی شیعه چنین می خوانیم:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنِ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَ فَلْيَتَزَوَّجْ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْهُ فَلْيُذِمِّنِ الصَّوْمَ فَإِنَّ الصَّوْمَ لَهُ وَجَاءٌ؛ (محمد بن محمد مفید، المقنعه، ج ۱، ص ۴۹۷، محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَعَاشِرَ الشَّبَابِ مَنِ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَ فَلْيَتَزَوَّجْ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ فَإِنَّ الصَّوْمَ لَهُ وَجَاءٌ. (ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۳، ص ۲۸۹، میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۳)

مورد دوم حدیث مشترک تفاسیر شیعه و اهل سنت

سید هاشم بحرانی این روایت را از منابع اهل سنت نقل می کند:

و روى ذلك من طريق المخالفين، عن ابن عباس، بزيادة قوله تعالى: الَّذِينَ يُطْنُونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ نزلت في علي وعثمان بن مظعون وعمار بن ياسر وأصحاب لهم. (سید هاشم بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۷۳۷)

حاکم حسانی مضمون فوق را این گونه آورده است:

حَدَّثُونَا عَنْ أَبِي بَكْرٍ السَّيِّعِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَالحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْجُصَّاصُ قَالَا: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَكَمِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ [الحُسَيْنِ] الْعُرْفِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا جَبَّانُ عَنِ الْكَلْبِيِّ عَنْ أَبِي صَالِحٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَأَن هَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»؛ قَالَ: الْخَاشِعُ: الدَّلِيلُ فِي صَلَاتِهِ، الْمُتَقَبِّلُ عَلَيْهَا، يَعْنِي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَ عَلِيًّا ﷺ. وَ فِي قَوْلِهِ: «الَّذِينَ يُطْنُونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»؛ نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ وَعُثْمَانَ

بْنِ مَطْعُونٍ، وَ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ وَأَصْحَابِ هُكْمٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ. (حاکم حَسْكَانِي، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، ج ۱، ص ۱۱۵، حدیث ۱۲۶)

۲-۳. مضامین مشترک در روایات تفاسیر شیعه و اهل سنت در آیه ۴۵ سوره بقره

برخی مضامین و مفاهیم در این دو گروه تفاسیر، شبیه یکدیگر است؛ اگرچه منقول عنه آن، متفاوت می باشد. در ادامه، به چند مورد از مضامین و مفاهیم مشترک در این باره اشاره می شود:

مورد نخست، معنای «کبیره»، از نظر هر دو تفسیر، به معنای «بزرگ» نیست، بلکه به معنای «ثقیل و شدید» می باشد. توضیح بیشتر در ادامه خواهد آمد؛ مورد دوم، در مورد «شأن نزول آیه ۴۵ سوره بقره»، یک نظر مشترک و مشابه میان تفاسیر شیعه و اهل سنت وجود دارد، که در ادامه خواهد آمد؛ مورد سوم، در معنای «خاشعین»، در تفاسیر شیعه و اهل سنت، و مستند به روایات، شباهت ها و دیدگاه های مشترکی یافت می شود که در ادامه خواهد آمد؛ مورد چهارم، یکی از مباحث مشترک که در هر دو گروه تفاسیر شیعه و اهل سنت یافت می شود، این امر است که پیامبر اکرم ﷺ هنگام شدت و بروز مشکلات، به نماز پناه می بردند. توضیح بیشتر در بحث «استعانت» در ادامه خواهد آمد.

۲-۴. «روایات تفسیری» و «روایات عام» در تفاسیر شیعه و سنی ذیل آیه ۴۵

منظور از «روایات تفسیری»، روایاتی است که در ذیل آیات و مرتبط با آیات و یا در شأن نزول آیات است. هر روایتی که مربوط به چگونگی و علت نزول آیه ای از آیات قرآن کریم باشد، و یا در توضیح و تفسیر آیه باشد، «روایت تفسیری» محسوب می شود و هر روایتی که این گونه نباشد، از نظر نگارنده «روایت عام» محسوب می شود.

با این مقدمه، این پرسش مطرح است که روایات منقول در ذیل آیه ۴۵ سوره بقره، در تفاسیر شیعه و اهل سنت، چگونه است و آیا از نوع «روایات تفسیری» است یا «روایات عام»؟

با مطالعه روایات در ذیل آیه ۴۵ بقره به این نتیجه می رسیم که مفسرین شیعه و اهل سنت، رویه واحد و مشترکی ندارند و از هر دو نوع روایت (تفسیری یا عام) نقل کرده اند.



می‌توان گفت که نویسندگان تفاسیر شیعه، به طور کلی، مقید بودند که تنها به ذکر «روایات تفسیری» در ذیل آیات بسنده کنند و کمتر به «روایات عام» بپردازند. و این در حالی است که برای مثال، تنها چهار روایت از چهل روایتی که سُیوطی در ذیل آیه ۴۵ سوره بقره نقل می‌کند، از نوع «روایت تفسیری» است و الباقی از نوع «روایات عام» می‌باشد.

توضیح بیشتر این که تمام ۲۹ روایتی که مفسرین شیعه در ذیل آیه ۴۵ بقره، نقل کرده‌اند، غیر از دو روایت، از نوع «روایت تفسیری» است. فیض کاشانی از پنج روایتی که نقل می‌کند، سه روایت آن، تفسیری و دو روایت، از نوع «روایت عام» است. (محمّد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۱۲۵-۱۲۶)

از ۵۹ روایتی که مفسرین اهل سنت نقل کرده‌اند، تنها نوزده روایت آن، از نوع «روایت تفسیری» است و چهل روایت آن، از نوع «روایت عام» است. توضیح بیشتر آن که دو روایت از سه روایات کتاب «شواهد التنزیل»، (حاکم حَسْکَانی، تفسیر شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۱۱۵، حدیث ۱۲۶ به بعد) و دو روایت از نه روایت بیان شده توسط ابن کثیر، (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۱۵۵ به بعد) و ۳۶ روایت از چهل روایت بیان شده از سوی سُیوطی از نوع «روایات عام» است. (جلال الدّین سُیوطی، الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۵۹-۱۶۳)

۳. شأن نزول بیان شده در تفاسیر شیعه و اهل سنت در آیه ۴۵ بقره

تفاسیر شیعه و اهل سنت بندرت به شأن نزول آیه اشاره کرده‌اند. از میان تفاسیر هفتگانه شیعه، تنها طبرسی توضیح و تفسیر خود را در باره شأن نزول بیان می‌کند و بر اساس همین شأن نزول، تفسیر و توضیحی بهتر و کامل‌تری نسبت به تفسیر قمی و عیاشی بیان می‌کند؛ چه این که در تفسیر عیاشی به صرف نقل حدیث و معنای ساده‌ای برای واژه صبر بسنده شده است. (محمّد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۴۳-۴۴)

توضیح بیشتر آن که طبرسی در مورد شأن نزول آیه، دو احتمال بیان می‌کند که هیچ کدام از این دو شأن نزول، مستند به روایات نیست. آن گاه می‌گوید: حق آن است که آیه

شامل همه افراد و مکلفین است، چون دلیلی بر اختصاص به يك جمعیت وجود ندارد. طبرسی در تفسیر آیه، و براساس شأن نزول نخست می گوید: از ائمه علیهم السلام نقل شده است که مراد از صبر، «روزه» است، (الصَّبْرُ صَوْمٌ) و کمک گرفتن از روزه، از این نظر است که روزه، طمع و هوای نفس را از بین می برد؛ همان طور که ائمه علیهم السلام فرموده اند: روزه نابود کردن شهوت است، (الصَّوْمُ وَجَاءٌ).

سپس طبرسی، در ادامه احتمال اول، در مورد این که چگونه می توان از نماز، استعانت گرفت، توضیحاتی بیان می کند.

براساس شأن نزول دوم که آیه، خطاب به همه مسلمانان و مکلفین باشد، نه یهود و اهل کتاب، تفسیر آیه چگونه خواهد بود؟ طبرسی دو وجه را بیان می کند که طبق نظر دوم این که در میان کارهای قلبی، از صبر بالاتر و در میان کارهای بدنی از نماز مهم تر نیست. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: هنگامی که اندوهی از کارهای دنیا شما را فرا گرفت، چه می شود که وضو گرفته، به مسجد روید و در آنجا دو رکعت نماز بخوانید و از خدا، رفع آن اندوه را بخواهید؟! مگر نشنیده اید که خدا می فرماید: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَأَن هَا لَكَبِيرَةٌ».

عن الصادق علیه السلام: مَا يَنْتَعُ أَحَدُكُمْ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ غَمٌّ مِنْ غُمُومِ الدُّنْيَا أَنْ يَتَوَضَّأَ ثُمَّ يَدْخُلَ مَسْجِدَهُ وَيَرْكَعَ رُكْعَتَيْنِ فَيَدْعُو اللَّهَ فِيهِمَا؟ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ يَقُولُ: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ». مستنداً به روایت، تنها یک نفر از مفسرین اهل سنت، برای این آیه، شأن نزول بیان می کند. طبری می گوید: عده ای از مشرکین، خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: ای محمد! همانا تو ما را به کار بزرگ فرا می خوانی! پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شما را به نماز و ایمان به خداوند متعال فرا می خوانم. (محمد بن جریر طبری، طبری، جامع البیان عن آی القرآن، ج ۱، ص ۱۵، حدیث ۸۵۵) طبری در شأن نزول این آیه، روایت ذیل را بیان می کند:

«وقال ابن جریج: وحدثني يونس، قال: أخبرنا ابن وهب، قال: قال ابن زيد في قوله: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»: الآية، قال: قال المشركون: والله يا محمد إنك لتدعونا إلى أمر كبير! قال: إلى الصلاة والإيمان بالله جل ثناؤه». (همان)

۴. معنای صبر در تفاسیر شیعه و اهل سنت در آیه ۴۵ بقره

از نظر تمام تفاسیر شیعه، منظور از واژه «صبر» که در آیه ۴۵ سوره بقره آمده است، «صوم» (روزه) است و در این باره، هیچ قول مخالفی وجود ندارد. نکته مهم این است که همه مفسرین، با توجه به روایات متعدّد، منظور از «صبر» را «صوم» می‌دانند. علامه طباطبائی در تفسیر المیزان، ضمن تأکید بر همین معنا، تصریح می‌کند که تفسیر «صبر» به روزه، از باب «مصدق و جری» است. منظور علامه طباطبائی این است که: «هرگز مورد نزول آیه‌ای مخصّص آن آیه نخواهد بود؛ یعنی آیه‌ای که در باره شخص یا اشخاص معینی نازل شده است، در باره نزول خود منجمد نشده، به مصادیق مشترک با مورد نزول آیه در صفات و خصوصیات سرایت خواهد کرد. این همان است که در عرف روایات جری نامیده می‌شود». (دفتر تبلیغات اسلامی، فرهنگ نامه علوم قرآن، مقاله: «جری و تطبیق»، ج ۱، ص ۱۹۴۷؛ سید محمد حسین طباطبائی، قرآن در اسلام، ص ۷۰-۷۱).

پرواضح است که معنای لغوی، «صبر»، شکیبایی و بردباری ورزیدن است، اما چرا در روایات شیعی، معنای «صوم» برای واژه «صبر» بیان شده است. با توجه به معنای لغوی، که برای صبر، حبس نفس و خودنگهداری بیان شده است، (احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۳۲۹؛ اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، ج ۲، ص ۷۰۶؛ احمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۳۳۱؛ خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۷، ص ۱۱۵) و در «صوم» (روزه) نوعی حبس نفس و بازداشت نفس وجود دارد، می‌توان تناظر و هماهنگی بین «صبر» و «صوم» یافت و در هر دو، حبس نفس و خودنگهداری وجود دارد.

تقریباً تمام مفسرین اهل سنت، همان معنای لغوی «صبر» را، یعنی «بردباری و صبور بودن» را اراده کرده‌اند. در این میان، حاکم حَسْکَانی، در کتاب شواهد التنزیل، با توجه به روایاتی که در ذیل آیه ۴۵ بقره نقل می‌کند، و نیز روایات در ذیل سوره «والعصر»، منظور از «صبر» را شخص امام علی علیه السلام می‌داند. (حاکم حَسْکَانی، تفسیر شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۱۱۷-۱۱۸، حدیث ۱۲۸؛ ج ۱، ص ۵۳۱، حدیث ۵۶۵؛ ج ۲، ص ۴۷۹؛ ج ۲، ص ۴۷۹)



۵. منظور از «استعانت» (وَاسْتَعِينُوا) در تفاسیر شیعه و اهل سنت در آیه ۴۵ بقره

از تفاسیر شیعه، دو تفسیر قمی و عیاشی در این باره سخنی بیان نداشته‌اند؛ تنها با توجه به روایات، گفته‌اند هرگاه برای کسی «شدّت و سختی» به وجود آمد، با گرفتن روزه و خواندن نماز، می‌تواند بر مشکلات فائق آید، یا لاقلاً قدرت بردباری و صبرِ وی افزایش یافته و به مددِ الهی از مرحله سختی و دشواری، عبور خواهد کرد. (علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ذیل آیه ۴۵ بقره؛ محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۴۳-۴۴)

تفسیر مجمع البیان، «نحوه استعانت» به این دو عمل عبادی را توضیح داده و می‌گوید: کمک گرفتن از روزه، از این نظر است که روزه، طمع و هوای نفس را از بین می‌برد؛ همان طور که ائمه علیهم‌السلام فرموده‌اند: روزه نابود کردن شهوت است، (الصَّوْمُ وَجَاءٌ). (فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۵) سپس طبرسی می‌گوید: چون در نماز، عباراتی خوانده می‌شود که انسان را متوجّه جهان معنوی کرده، و از خودخواهی و دنیا پرستی بازمی‌دارد؛ همان طور که قرآن می‌فرماید: «نماز انسان را از زشتی‌ها بازمی‌دارد»، (إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ)؛ (سوره عنکبوت، آیه ۴۵) و از طرفی با تواضع در نماز، عشق به ریاست کنار می‌رود؛ بنابراین، کمک خوبی (برای یهودیان) در راه وفای به عهد الهی است. لذا اگر در باره مطلبی، رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را حزن و اندوه فرا می‌گرفت، از نماز و روزه کمک می‌طلبید و با نماز خواندن و روزه گرفتن، آن‌اندوه را از خود دور می‌نمود. (فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۵)

امامان علیهم‌السلام بویژه امام علی علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام همیشه این سیره و رفتار را داشتند که در مواقع سخت و بروز مشکلات، از «روزه و نماز» استعانت می‌گرفتند. پیوسته این سخن از سوی امامان علیهم‌السلام نسبت به شاگردان ابراز می‌شد که: در مشکلات خویش به نماز و روزه تمسک جوید و آن‌گاه، به عنوان استشهاد، به آیه ۴۵ بقره استناد می‌فرمودند.

تقریباً تمام تفاسیر اهل سنت (تفاسیر شش‌گانه) تأکید دارند که به وسیله صبر (بردباری) و صلوات می‌توان بر مشکلات فائق آمد، ولی طبری معتقد است به وسیله این دو، می‌توان به رحمت الهی رسید. وی این روایت را نقل می‌کند:

و قال ابنُ جریج: حدثنا به القاسم، قال: حدثنا الحسین، قال: حدثني حجاج، قال:



قال ابن جریج فی قوله: «واستعینوا بالصبر والصلاة»؛ قال: إنهما معونتان علی رحمة الله. (محمّد بن جریر طبری، جامع البیان عن آی القرآن، ج ۱، ص ۱۵، حدیث ۸۵۴)
همین معنا نیز از سوی سیوطی نقل شده و وی به این روایت استناد می‌کند:
أخرج عبد بن حمید عن قتادة فی قوله: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»، قَالَ: إِنَّهُمَا معونتان من الله، فاستعینوا بهما. (جلال الدّین سیوطی، الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۵۹)

۶. منظور از «صلات» در تفاسیر شیعه و اهل سنت در آیه ۴۵ بقره

مفسّرین اهل سنت، مستند به روایات، هیچ توضیحی در باره معنای «صلاة» نمی‌دهند و به صورت کلی این مطلب بیان شده که برای حل مشکلات و ناراحتی‌ها، باید از نماز استمداد جست. مفسّرین شیعه مانند قمی، عیّاشی، طبرسی، بحرانی و خویزی در مورد واژه «صلاة» مطلبی خاصی بیان نمی‌کنند و منظور آنان، همان «نماز» به صورت کلی است، و البتّه شاید بتوان این استفاده را از کلام آنان نمود که منظور، «نماز مستحبّی» است؛ کما این که علامه طباطبائی به «نماز مستحبّی» تأکید دارد. (سید محمّد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۵۴)
علامه طباطبائی می‌گوید: امام علی علیه السلام از آیه ۴۵ سوره بقره، استحباب روزه و نماز، هنگام شداید و ناملازمات استفاده کرده است. نیز امام علی علیه السلام استحباب توّسل به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ولیّ خدا (امامان معصوم)، هنگام بروز ناملازمات و سختی‌ها را از آیه شریفه به دست آورده است و این در حقیقت، تأویل (تطبیق و جری) کلمه «صوم» و «صلاة» بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علی علیه السلام است. (همان)
در این میان، فیض کاشانی، از دو جهت واژه «صلاة» را توضیح می‌دهد: اولاً می‌گوید منظور از «صلاة»، اعم از نماز واجب و نماز مستحب است؛ ثانیاً معتقد است که منظور از «صلاة»، صلوات بر محمّد و آل محمّد نیز هست. (محمّد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۱۲۵-۱۲۶)

۷. منظور از «کبیره» در آیه ۴۵ بقره، در تفاسیر شیعه و اهل سنت

عموم مفسّرین شیعه، واژه «کبیره» را به معنای لغوی آن، یعنی «بزرگ» نمی‌دانند، بلکه به معنای «دشواری، مشقّت و سخت بودن» می‌دانند؛ به این معنا که: نماز خواندن برای



همه سخت و دشوار است، مگر «خاشعین» (خشوع کنندگان به درگاه الاهی).
در این میان، فیض کاشانی (همان) با استناد به آیه زیر، معنای «سخت و دشوار بودن» را تثبیت می‌کند:

«كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ» (شوری: ۱۳). بر مشرکان آنچه که به سوی آن دعوتشان می‌کنی (یک خدا و یک رب و یک دین) دشوار و گران است». (ترجمه آیت الله علی مشکینی)

با توجه به روایاتی که مفسرین اهل سنت در ذیل آیه ذکر کرده‌اند، آنان نیز معنای «ثقیل و شدید» را برای این واژه بیان داشته‌اند. در واقع، هیچ کدام از مفسرین اهل سنت، واژه «کبیره» را به معنای «بزرگ» نمی‌دانند. طبری در جامع البیان می‌گوید:
حدثني يحيى بن أبي طالب، قال: أخبرنا ابن يزید، قال: أخبرنا جویبر، عن الضحاك، في قوله: «وَأَن هَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»، قال: «أَن هَا لَثَقِيلَةٌ». (محمد بن جریر طبری، جامع البیان عن آی القرآن، ج ۱، ص ۱۵، حدیث ۸۵۶).

ثعلبی در تفسیر الکشف و البیان به نقل از حسین بن فضل (متوفای ۱۵۰ ق.) معنای «لکبیره» را «ثقیل و شدید» معرفی می‌کند. (احمد بن محمد ثعلبی، تفسیر الکشف و البیان، ج ۱، ص ۱۸۸) ابن کثیر هم همین دیدگاه را دارد. وی به نقل از ضحاک (یکی از مفسرین تابعی، متوفای ۱۰۵ ق.) می‌گوید:

«وَقَالَ الضَّحَّاكُ: (وَأَن هَا لَكَبِيرَةٌ)، قَالَ: «أَن هَا لَثَقِيلَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ لَطَاعَتِهِ الْخَائِفِينَ سَطَوْتَهُ الْمُصَدِّقِينَ بَوَعْدِهِ وَوَعِيدِهِ. وَهَذَا يَشْبَهُ مَا جَاءَ فِي الْحَدِيثِ «لَقَدْ سَأَلْتُ عَنْ عَظِيمٍ وَإِنَّهُ لَيَسِيرٌ عَلَى مَنْ يَسْرُهُ اللَّهُ عَلَيْهِ». (همان، ص ۱۵۷)

۸. منظور از «خاشعین» در تفاسیر شیعه و اهل سنت در آیه ۴۵ بقره

واژه «خاشعین» (خشوع کنندگان به درگاه الاهی)، که در آیه ۴۵ سوره بقره آمده است، از سوی مفسرین شیعه و اهل سنت، دارای بیشترین اظهار نظر و دیدگاه است. مفسرین شیعه، گاه به معنای لغوی این واژه نظر کرده و معتقدند که منظور از «خاشعین» کسانی هستند که تواضع دارند و این نظر قمی، عیاشی و طبرسی است. (علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ذیل آیه ۴۵ سوره بقره؛ محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱،



ص ۴۴؛ فضل بن حسن طبرسی، فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۵) ولی فیض کاشانی توضیح بیشتر داده و می‌گوید: منظور از «خاشعین»، کسانی هستند که از عقاب و عذاب الاهی هراسناک بوده و همواره فرایض الاهی، مانند نماز را انجام داده و از اطاعت او امر الاهی لذت می‌برند. آن گاه فیض کاشانی، به دو روایت، استناد می‌کند که در باره تمایل شدید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نماز است. بحرانی در تفسیر البرهان، به تأویل و تعیین مصداق برای واژه «خاشعین» می‌پردازد. وی دو تأویل بیان می‌کند که در یک تأویل، منظور از «خاشعین»، علی علیه السلام، عثمان بن مظعون، عمار یاسر و اصحاب ایشان می‌داند و در تأویل دوم، بهترین مصداق برای «خاشعین»، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام می‌داند. (محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۱۲۵-۱۲۶)

مفسرین اهل سنت در ذیل آیه ۴۵ سوره بقره در باره واژه «خاشعین» نظرات متفاوتی بیان داشته‌اند. طبری در جامع البیان در ضمن چهار حدیث، چهار معنا برای واژه «خاشعین» بیان می‌دارد که عبارت است از: ۱. «المصدقین بما أنزل الله»؛ (محمد بن جریر طبری، جامع البیان عن آی القرآن، ج ۱، ص ۱۶، حدیث ۸۵۶) ۲. «الخائفین»؛ (همان، حدیث ۸۵۷) ۳. «المؤمنین حقاً» (همان) و ۴. «الخوف والخشية لله». (محمد بن جریر طبری، جامع البیان عن آی القرآن، ج ۱، ص ۱۶، حدیث ۸۶۰) ثعلبی منظور از «خاشعین» را مؤمنین معرفی می‌کند. (احمد بن محمد ثعلبی، الكشف و البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر ثعلبی)، ج ۱، ص ۱۸۸) وی به نقل از ابن عباس، منظور از «خاشعین» را مُصَلِّین (نمازگزاران)، و از نظر مُقاتل بن حیان (متوفای ۱۵۰) «متواضعین» (تواضع‌کنندگان) و از نظر حسن، «خائفین» (بیمناکان، ترسایان) است. (احمد بن محمد ثعلبی، الكشف و البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر ثعلبی)، ج ۱، ص ۱۸۸)

ابن کثیر در «تفسیر القرآن العظیم» معانی مختلفی در باره واژه «خاشعین» بیان می‌کند که شبیه طبری در جامع البیان است. (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۱۵۵) حاکم حسانی تفاوت با بقیه مفسرین اهل سنت، در باره «خاشعین» اظهار نظر کرده و به جای بیان معنای این واژه، تأویل و مصداق خاشعین را بیان می‌کند. وی در تأویل

نخست، و مستند به یک روایت، می‌گوید:

«الْخَاشِعُ: الدَّلِيلُ فِي صَلَاتِهِ، الْمُتَقَبِّلُ عَلَيْهَا، يَعْنِي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَعَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ (حاکم حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۱۱۵، حدیث ۱۲۶) خاشع یعنی دلیل در هنگام نماز، اقبال کننده به نماز، یعنی رسول خدا ﷺ و علی علیه السلام».

و در تأویل دوم، افراد دیگری را به عنوان «خاشعین» بیان کرده و می‌گوید: «وَفِي قَوْلِهِ: «الَّذِينَ يَطُئُونَ أَرْبَعًا مَلَأُوا رِجْلَهُمْ وَأَتَتْهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»؛ (سوره بقره، آیه ۴۶) نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ وَعُثْمَانَ بْنِ مَظْعُونٍ، وَعَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ وَأَصْحَابِ هُمْ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ. (حاکم حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۱۱۵، حدیث ۱۲۶) در این آیه که خداوند که می‌فرماید: «خاشعان» کسانی هستند که به (قیامت و ملاقات (با حساب) پروردگارشان و بازگشت به او ایمان دارند"، در مورد علی و عثمان بن مظعون و عمار یاسر و یاران ایشان، نازل شده است».

نتیجه این که تمام مفسرین شیعه و اهل سنت، تلاش می‌کنند برای واژه «خاشعین»، معنا و مفهوم، ذکر می‌کنند، ولی بحرانی از مفسرین شیعه، (سیدهاشم بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۲۰۷؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۷۶) و حاکم حسکانی از مفسرین اهل سنت، (حاکم حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۱۱۵، حدیث ۱۲۶) برای این واژه، تأویل و مصداق بیان می‌کنند که شبیه یکدیگر هستند، همان طور که معانی و مفاهیم ذکر شده، توسط مفسرین شیعه و اهل سنت، در مورد واژه «خاشعین»، شبیه یکدیگرند.

نتیجه‌گیری

- «تفسیرروائی تطبیقی» یا «تفسیرروائی مقارن»، یکی از جلوه‌ها و رویکردهای بدیع تفسیری است که تاکنون هیچ کتاب تفسیری با این رویکرد، نگاشته نشده و آیه ۴۵ سوره بقره هم به صورت تطبیقی و از منظر روایات شیعه و اهل سنت، در هیچ مقاله‌ای مورد بررسی قرار نگرفته است. بنابراین، موضوع این مقاله، بدیع بوده و دارای جنبه نوآوری است.



- از ۸۸ روایتی که مفسرین فریقین در ذیل آیه ۴۵ بقره بیان داشته‌اند، ۲۹ روایت را مفسرین شیعه نقل کرده‌اند که از این تعداد، بیشترین روایات، سیدهاشم بحرانی با ده روایت در صدر است؛ و ۵۹ روایت از مفسرین اهل سنت است که سیوطی با نقل چهل روایت، در صدر است.

- مفسرین شیعه و اهل سنت، رویه واحد و مشترکی ندارند و از هر دو نوع روایت (تفسیری یا عام) نقل کرده‌اند. نویسندگان تفاسیر شیعه، به طور کلی، مقتید بودند که تنها به ذکر «روایات تفسیری» در ذیل آیات بسنده کنند و کمتر به «روایات عام» بپردازند و این در حالی است که برای مثال، تنها چهار روایت از چهل روایتی که سیوطی در ذیل آیه ۴۵ سوره بقره نقل می‌کند، از نوع «روایت تفسیری» است و الباقی از نوع «روایات عام» می‌باشد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، با ترجمه علی مشکینی و محسن قرائتی.
۱. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران، نی، ۱۳۸۳ ش.
۲. ابن حنبل، احمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، قاهره، دار الحديث، ۱۴۱۶ ق.
۳. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۱۰ ق.
۴. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، قم، علامه، ۱۳۷۶ ش.
۵. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، بی جا، مكتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۱۹ ق.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۸. ابوداود، سلیمان بن اشعث، سنن أبی داود، قاهره، دار الحديث، ۱۴۲۰ ق.
۹. آحسائی، محمد بن علی (ابن ابی جمهور)، عوالی اللآلی العزیزة فی الأحادیث الدینیة، قم، سیّد الشهداء علیه السلام، ۱۴۳ ش.
۱۰. آیازی، محمد علی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، تهران، وزارة الثقافة و الارشاد اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۱۱. بحرانی، سیّد هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه البعثة، ۱۴۱۵ ق.
۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، مقدمه محمد منیر دمشقی، بیروت، بی نا، ۱۴۰۶ ق.
۱۳. بهار دوست، علیرضا، مقاله: «جری و انطباق»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۰، ص ۲۲۷ - ۲۲۸، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۳ ش.
۱۴. پاکتچی، احمد، مقاله «تفسیر»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۱۰۲، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۳ ش.
۱۵. پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی، فرهنگ نامه علوم قرآن (دائرة المعارف)، مقاله: «جری و تطبیق»، ج ۱، ص ۱۹۴۷، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۴ ش.
۱۶. ثعلبی، احمد بن محمد، الكشف و البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر ثعلبی)، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۱۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت، دار العلم



للملایین، ۱۳۹۹ق.

۱۸. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.

۱۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، آل البيت علیهما السلام، ۱۳۷۰ش.

۲۰. حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.

۲۱. حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۳۸۳ق.

۲۲. خطیب بغدادی، ابی بکر أحمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق.

۲۳. خولی، امین، التفسیر: نشأته، تدرّجه، تطوره، بیروت، دارالكتاب اللبنانی، ۱۹۸۲م.

۲۴. دفتر تبلیغات اسلامی، فرهنگ نامه علوم قرآن، مقاله: «جری و تطبیق»، ج ۱، ص ۱۹۴۷، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۴ش.

۲۵. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.

۲۶. رضائی اصفهانی، محمد علی، درسنامه روش های تفسیری، قم، المصطفی علیه السلام، ۱۳۹۰ش.

۲۷. زرقانی، محمد عبد العظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۲ق.

۲۸. سبحانی، جعفر، اصول الحديث واحكامه، قم، اسلامی، ۱۳۸۴ش.

۲۹. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.

۳۰. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالكتاب العربی، ۱۴۲۱ق.

۳۱. صدوق، محمد بن علی، التوحید، قم، اسلامی، ۱۴۱۶ش، چ پنجم.

۳۲. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۳۷۵ش.

۳۳. طباطبائی، سید محمد حسین، قرآن در اسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ش.

۳۴. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.

۳۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۸ق.

۳۶. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن ای القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.

۳۷. عسکری، انسبه و محمد کاظم شاکر، مقاله: «تفسیر تطبیقی؛ معنایابی و گونه شناسی»، دوفصلنامه دانشگاه قم، سال اول، شماره دوم، شماره پیاپی ۲، پاییز و زمستان

۱۳۹۴ ش.

۳۸. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تهران، المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ ش.

۳۹. فراهیدی خلیل بن احمد، کتاب العین، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ۱۴۰۸ ق.

۴۰. فضلی، عبدالهادی، اصول الحديث، علومه و مصطلحه، بیروت، مؤسسة أم القرى،

۱۴۲۰ ق.

۴۱. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران، مكتبة الصدر، ۱۳۷۳ ش.

چ دوم.

۴۲. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قم، مؤسسة دارالهجرة، ۱۴۱۴ ق.

۴۳. قمی، قاضی سعید، فی شرح توحید الصدوق، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

۱۴۱۵ ق.

۴۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمّی، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.، چ سوم.

۴۵. کلینی، محمد بن حسن، الکافی فی الاصول و الفروع، تهران، دارالکتب الإسلامية،

۱۴۰۷ ق.، چ چهارم.

۴۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۹۹۲ م.

۴۷. مسلم بن الحجاج، صحیح المسلم، قاهره، دارالحديث، ۱۴۱۲ ق.

۴۸. معجم المعانی: فرهنگ لغت عربی - فارسی، بی تا، نرم افزار.

۴۹. مفید، محمد بن محمد، المقنعه، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.

۵۰. نجارزادگان، فتح الله، تفسیر تطبیقی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۳ ش.

۵۱. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث،

۱۴۰۸ ق.